

CASE 35

پرونده شماره ۳۵

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۳۵ - ۱۴۵

AWARD 145-35-3

English version Filed on <u>6 AUG 84</u>
نسخه انگلیسی در تاریخ ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۳ / ۶ / ۲۰
	11 SEP 1984
No.	35

آر. جی. زینولدز توباکو کامپنی ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ، و

شرکت دخانیات ایران ،

خواندگان .

DUPLICATE ORIGINAL نسخه برابر اصل

نظر موافق ریچارد ام. ماسک

CONCURRING OPINION OF RICHARD M. MOSK

من برای جزیی دیوان در این پرونده موافقم .

جریان رسیدگی

شرکتهای تابعه خواهان (خواهان و شرکتهای تابعه آن منبهد "زینولدز" خوانده می شوند) به خوانده شرکت دخانیات ایران ("شرکت دخانیات") ؛ یک شرکت عمده و متعلق به دولت که ظاهراً "انحصار تجارت سیگار را در ایران دارد سیگار و محصولات دخانی می فروختند.

نظربه استقبالی عامه از سیگارتهای رینولدز در ایران شرکت دخانیات به خرید آنها علاقمند بوده و پرداخت بهای آنها، همچنین سایر شرایط مندرج در فرمهای سفارش خرید رینولدز را پذیرفته و سیگارتهای مزبور را با سود به مصرف کنندگان ایرانی می فروخته است.

شرکت دخانیات، بدون هیچ دلیل مشهودی، بهای سیگارتهای خریداری شده را نپرداخت. رینولدز صورتحساب و صورت وضعیت هائی ارسال داشته و از شرکت دخانیات درخواست کرده بود که وجه را پرداخت نماید. هیچگونه دلیل و مدرکی از اعتراض شرکت دخانیات به صورتحسابها، تا هنگامی که معلوم شد ادعائی نزد این دیوان ثبت خواهد شد، وجود ندارد. حتی آنموقع هم، شرکت دخانیات فقط به مقدار کمی از مبلغ ادعا معترض بود. ظاهراً "پس از نوامبر ۱۹۲۹ راجع به پرداخت مذاکراتی صورت گرفت، لیکن شرکت دخانیات، حتی مبالغی را که خود تصدیق کرده بود واجب الاداست، تادیه نکرد." (۱)

با توجه به ادله و مدارک، ادعاهای متقابل فاقد اعتبار بودند. فی الواقع، ادعاهای متقابل، حتی اگر کلیه انتسابات مندرج در آن صحیح می بودند و واقعیت هائی را بیان نمی کنند که قانوناً "موجد ادعاهای معتبری باشند. مضافاً، "قرینه و نشانه ای در دست نیست که شرکت دخانیات هرگز پیش از ثبت ادعاهای متقابل در دیوان، هیچیک از ادعاهای مطروح در دعاوی متقابلش را با رینولدز مطرح کرده باشد.

در این پرونده مسائل فنی مشکلی مطرح نبود. تعداد شهود کم بود. پرونده اساساً "متضمن مبلغ بدهی بابت سیگار و محصولات دخانی و موضوعات چندی بود که عمدتاً "جنبه حقوقی داشته و شامل صلاحیت ادعاهای متقابل می شدند.

(۱) دا ورمخالف اظهار داشته که آغاز اقدام قضائی توسط رینولدز در دادگاههای ایالات متحده علی رغم قیددآوری مندرج در سفارشهای خرید، نقض قرار داد بوده، که این با مصلاح نقض قرار داد به عنوان دفاع در برابر ادعا اقامه می شود. خوانندگان می توانند نتایج حکمی جهت ارجاع موضوع به داور و توقیف اقدامات قضائی ما در شود. عدم استفاده از حق دآوری می تواند اعراض از آن حق تلقی شود. توافق طرفین به دآوری، الزاماً "توافق به عدم مراجعه به دادگاه نبوده است. علاوه بر این، عدم رعایت قیددآوری، نقض اصل قرار داد نیست که طرف دیگر را از اجرای آن معذور دارد.

ادعا در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۰) ثبت شد. استماع مقدماتی در اکتبر ۱۹۸۲ برگزار گردید. استماع کامل پرونده در مه ۱۹۸۳ انجام شد. در اول مارس ۱۹۸۴ (۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۲) جلسه استماع دیگری تشکیل شد. تعدادی لایحه و اظهاریه توسط طرفین تسلیم شد. این لوایح و اظهاریه‌ها هر موضوعی را که در دیوان مورد بحث واقع شده بود شامل می شدند. مهلت خواندگان جهت ثبت مطالب و مدارکشان بارها تمدید شد^(۲) و دیوان به طور وسیع در مورد این پرونده شور کرد.

رسیدگی به این پرونده که می توانست در یک دادگاه قضائی به فوریت فیصله یا بد، حدود دو سال و نه ماه به طول انجامیده و هنوز پایان نیافته است. این مطلب که مبلغ خواسته نسبتاً " هنگفت است پرونده را پیچیده نمی ساخته و یا مستلزم رسیدگی یا زیان بیشتری نبوده است .

هرگونه کوششی به عمل آمد تا رسیدگی به این پرونده به تاخیر افتد. چنین رویه ای، گرچه پسندیده نیست، به ویژه برای وکلای آمریکائی که با تاکتیکهای مدافعین در به تاخیر انداختن جریان دعاوی کاملاً آشنا هستند موجب تعجب نیست. سیستمهای داخلی، به علت تراکم کار دادگاهها و افزایش روز افزون پروندهها، غالباً " قدرت مقابله با این تاکتیکها را ندارند. لیکن، دیوان وقت کافی برای استماع و رسیدگی به این پرونده را نداشته است.^(۴) بعلاوه شرکت دخیانیا فقط در یک پرونده

(۲) من با تعدادی از دستورها که رسیدگی به این پرونده را به تاخیر می انداخت مخالفت کردم. رجوع شود به :

1 IRAN-U.S.C.T.R. 119; 2 IRAN-U.S.C.T.R. 124;
3 IRAN-U.S.C.T.R.

(مخالفت با دستورهای ثبت شده در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۲)، ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۱ شهریور ماه ۱۳۶۲)، ۱۳ اکتبر ۱۹۸۳ (۱ اول آبان ۱۳۶۲)، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۳ (۳۰ آذر ماه ۱۳۶۲)).

(۳) این مطلب که خواندگان کوشیده اند رسیدگی به پرونده را به تاخیر اندازند حاکی از آنست که شرکت دخیانیا تا اطمینانی نسبت به اعتبار ادعاهای متقابل خود نداشته است .

(۴) این شعبه از واسط دسامبر ۱۹۸۳ در مورد هیچ پرونده ای جلسه استماع کاملی برگزار نکرده و تا سپتامبر ۱۹۸۴ نیز جلسه ای ندارد .

(۵)
دیگر که در این دیوان مطرح است، طرف دعوی است. و بدینسان، شرکت دخانیات
کار سنگینی را بردوش نداشته است.

من هیچ دلیلی نمی بینم که موضوعی که دیوان بلاتصمیم گذارده، نمی توانسته
است مورد رسیدگی واقع شود. دیوان می توانست هرگونه اطلاعات یا مطالب جدیدی
را که می خواست طی جلسات استماع یا در هر زمانی طی چند سالی که پرونده در دست
رسیدگی بوده، تقاضا کند. قـــــــــــــــــمـــــــــــــــــور مستمردر رسیدگی کامل به پرونده،
قابل توجیه نیست.

بعلاوه متذکر می شود که اینجانب، در مورد تفکیک یک پرونده به بخشهای مختلف
و سپس رسیدگی خرد خرد بدان در مواقع مختلف و احتمالاً با اکثریتهای متفاوت،
ایراداتی دارم. نسبت به این رویه، در پرونده حاضر از آن جهت رضایت داده ام
که از تاخیر بیشتر در تعیین تکلیف مسایلی که طی این حکم جزئی حل شده اند،
احتراز شود.

این مطلب که رسیدگی به چنین پرونده نسبتاً ساده ای اینقدر بطول انجامیده،
متأسفانه می تواند نشانه ای از وضع جریان رسیدگی در سایر پرونده های باشد که در
دیوان مطرح و متضمن مبالغ هنگفت و موضوعات ماهوی و حقوقی پیچیده تری هستند.

همگان قبول دارند که تاخیر غیرموجه در رسیدگی نه فقط غیرعادلانه است،
بلکه غیرعادلانه هم هست. دیوان داوری بین المللی اعلام داشته است
که آن دیوان "همچنان برای این عقیده باقی است که رسیدگی به پرونده ها بدون
تاخیر غیرموجه، برای حفظ اعتبار و اجرای صحیح عدالت بین المللی سودمند
است."

Barcelina Traction Light & Power Co., Ltd. (Belgium v. Spain)
Second Phase, 1970 I.C.J. 3, 30, 31.

یک نتیجه گیری که کمیسیون دعوی مکزیک به دست داد این بود که "این مساله

(۵) شرکت دخانیات یک پرونده دیگر را تسویه کرد. فیلیپ موریس اینکورپوریتد
علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و علیه شرکت دخانیات ایران - حکم شماره
۳-۹۵-۱۱ (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۲ برابر با ۳۰ شهریور ماه ۱۳۶۱). من از هیچ ادعای
کوچکی علیه شرکت دخانیات، که طبق بند ۳ ماده سه بیانه حل و فصل دعوی
اقامه شده باشد، اطلاع ندارم. متأسفانه پیشرفت این پرونده ها در دیوان کند است.

مهم است که اعضای کمیسیون در مدنظر داشته باشند که سرعت در رسیدگی دارای اهمیت اساسی است."

A.H. Feller, The Mexican Claims Commissions 318 (1935).

در بسیاری از سیستمها وسایل و طرقی در نظر گرفته شده که صدور تصمیمات حقوقی ظرف مدت معین یا معقولی را تضمین کند. رجوع شodفی المثل به: آئین دادرسی مدنی ایران ماده ۶۴۱ (ترجمه صبی، ۱۹۷۳).

Stockholm Chamber of Commerce, Arbitration in Sweden 121 (2nd ed. 1984); California Const. Art. 6, § 19

طبق بند ۱۹ ماده ۶ قانون اساسی کالیفرنیا ("چنانچه موضوعی ۹۰ روز پس از تسلیم آن به قاضی جهت تعیین تکلیف، همچنان بلا تکلیف مانده باشد"، حقوقی به قاضی پرداخت نمی شود).

Rules For the ICC Court of Arbitration, Article 18(1); Canon IV(B), Code of Ethics for Arbitrators in Commercial Disputes (Amer. Bar Assoc. and American Arb. Assoc. 1977); see also Mangard, "A Scandinavian System of Settling Consumer Disputes Out of Court" in The Art of Arbitration 233, 235 (J. Schultz & A. van Den Berg eds. 1982) (arbitration is "fairly speedy"). (داوری جریان "نسبتاً سریعی" است).

دولتین ایران و ایالات متحده در بند ۱ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی دیوان رامکلف به "پیشبرد سریع کار" نموده اند.

دیوان داوری برای اجرای تعهد و وظیفه اش مقرر داشته که باید بکوشد ظرف ۹۰ روز پس از ختم پرونده حکم صادر کند. (۶) پس از جلسه استماع مارس ۱۹۸۴، (۷)

(۶) "۱- داوران باید ظرف یک هفته پس از ختم استماع شورها را آغاز نمایند.

۲- دیوان کوشش خواهد کرد ظرف ۹۰ روز پس از تاریخ ختم پرونده حکم صادر کند."

Iranian Assets Litigation Reporter, December 16, 1983, P. 7601.

(۷) من معتقد بودم که این استماع دوم غیر ضروری است و با دستوری که آن استماع را مقرر داشته بود مخالفت کردم.

رئیس شعبه به طرفین اطمینان داد که ظرف ۹۰ روز حکم صادر خواهد شد. دیوان باتن در دادن به تقریباً " هرگونه تقاضای خوانندگان جهت تاخیر، بدون توجه به غیرموجه بودن آن، بناحق جریان رسیدگی به این پرونده را طولانی ساخته است.

باتوجه به مدت زمانی که متأسفانه توسط دیوان صرف این پرونده شده و فرصتهای تقریباً " نامحدودی که طرفین جهت ارائه مدارک داشته‌اند، غیرقابل تصور است که کسی بتواند مدعی شود که یکی از داوران ویایی از طرفین فرصت کافی جهت شرکت کامل در جریان رسیدگی نداشته است.

من نمی‌خواهم به تفصیل با ملاحظات مندرج در جوار امضای داو مخالف در ذیل این حکم جزئی به معارضه برخیزم. عدم تمایل من به اینکار نباید بر تصدیق صحت یا اعتبار هیچیک از آن مطالب تعبیر شود. در مورد پرونده بطور کامل شورشده است. طرفین در مورد کلیه موضوعاتی که دیوان بدانها فیصله داده است مطالب و مدارک خود را تسلیم کرده‌اند. بعلاوه، یک داور حق ندارد که موضوع یا پرونده‌ای را به دیوان عمومی ارجاع کند. این موضوعی است که شعبه باید در مورد آن تصمیم بگیرد. دستور شماره ۱ ریاست،

reprinted in 1 IRAN-U.S.C.T.R. 95.

صلاحیت

دیوان دآوری به طور صحیح نتیجه گرفته است که شخصیت حقوقی موسوم به دیسک، (شرکت داخلی فروشهای بین المللی) قابل چشم پوشی بوده و بنا بر این، آر.جی. رینولدز توباگو کامپنی طبق بیانیه حل و فصل دعاوی خواهان واقعی است. رینولدز، وجود دیسک را افشاء، ولی ضمناً " استدلال کرده که از لحاظ صلاحیت دیسک، باید نادیده گرفته شود. طرفین، تقریباً " به مدت یکسال، در مورد این موضوع، مطلب و مدرک ارائه کرده‌اند. در واقع، خوانندگان مطالبی ارائه کردند

که توسط وکلای آمریکایی ایشان تهیه شده بود. طرفین و دیوان طی مدتی طولانی بطور مفصل به این موضوع رسیدگی کردند. به موضوع خیلی بیش از اندازه لازم توجه شد.

مدارک موجود نزد دیوان نشان داد که آر.جی. رینولدز توبا کو اینترنشنال اکسپورت اینکورپوریتد (دیسک) حداقل، ویا اندکی بیش از حداقل ویژگیهای لازم جهت احراز شرایط یک دیسک را، دارد. یک شرکت دیسک صرفاً "ابزار مجازی بود که به شرکتهای آمریکایی که در امر صادرات فعالیت داشتند، اجازه می داد که از لحاظ مالیاتی اعلام پاره ای از درآمد خود را به تعویق اندازند. همانطور که در مورد یک شرکت دیسک در یک پرونده آمریکایی ذکر شده، دیسک خاص پرونده حاضر یک "پوشش حقوقی" داشته که به قدری نازک بوده که احتیاج به شکافتن نداشته است." (۸)

Farkar Co. V. R.A. Hanson Disc. Ltd., 583 F. 2d 68, 71
(2d Cir. 1978).

به نظر من لزومی نداشت که پوشش حقوقی دیسک شکافته شود تا این نتیجه گیری به دست آید که آر.جی. رینولدز توبا کوکا مینی خواننده واقعی است.

(۸) "قواعد معمولی جهت تعیین اینکه یک واحد عنصر لازم یک شخصیت حقوقی را دارد یا نه، شامل دیسک نمی شود".

Gordon, "Domestic International Sales Corporations (DISC)" in BNA, Tax Management- Foreign Income Portfolios No. 264-3rd A-3 (1983).

در بند ۸۰۱ عنوان هشتم قانون ۱۹۸۴ اصلاح مالیاتهای ایالات متحده (United States Tax Reform Act of 1984) در اکثر موارد شخصیت متفاوتی موسوم به شرکت فروشهای خارجی (FSC) جایگزین دیسک شد. درآمد معوقه به استناد دیسک، به میزان زیادی بخشوده شد:

Title 26 U.S.C. §§ 921-927

این مطلب که مفهوم دیسک می توانست آنچنان تغییر عظیمی یا بد که منجر به محو شدن اکثر دیسکها گردد، خود گویای آنست که شخصیت مورد بحث محتسوائی نداشته است.

بند ۲ ماده هفتم بیانیه حل و فصل دعاوی مقرری دارد که ادعاهای اتباع ایالات
متحده شامل

ادعاهائی است که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت
یافتن این بیانیه مستمرا " در اختیار اتباع آن کشور بوده اند،
شامل ادعاهائی که بطور غیر مستقیم، از طریق مالکیت سرمایه
و یا سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت
این اشخاص بوده اند مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین
اتباعی، مجتمعا " در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت
یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر
اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این بیانیه
حق اقامه دعوا نداشته باشد.

آر.جی. رینولدز توبا کوکا مپنی، می تواند ادعاهای آر.جی. رینولدز توبا کوکا
اینترنشنال اس.آ. (شرکت سوئیسی) را به عنوان ادعای غیر مستقیم اقامه
نماید، زیرا آر.جی. رینولدز توبا کوکا مپنی از طریق شرکت داخلی فروشهای
بین المللی (دیسک) خود به قدر کفایت مالکیت سهام یا علایق مالکانه دیگر در
آر.جی. رینولدز توبا کوکا اینترنشنال اس.آ. داشته که بر آن کنترل اعمال
نماید. مقایسه شود با

Dow Chemical France, et al. v. Isover Saint Gobain,
Interim Award, Sept. 23, 1982 (Sanders, Goldman and
Vasseur, arbs.), IX Yearbook Commercial Arbitration
131, 136-137 (1984).

داشتن چنین علایق مالکانه از طریق یک شرکت تابعه تحت مالکیت کامل شرکت
مادر، به هیچ وجه از اهمیت علایق یا کنترل مورد بحث نمی کاهد.

Copperweld Corp. v. Independence Tube Corp., در پرونده
__ U.S. __, 52 U.S.L.W. 4821 (June 19, 1984),

دیوان عالی ایالات متحده نظر داد که مطابق قوانین ضد تراست هیچگونه تبانی

در داخل شرکت مجاز نیست . دیوانعالی با این رای ، متذکر گردید که هیچ دلیلی وجود ندارد که از نظر مسئولیت (طبق قوانین) ضد تراست ، بین یک شرکت تا بعه تحت مالکیت کامل شرکت مادر و یک دیویژن شرکت ، فرقی وجود داشته باشد . از نظر تعیین صلاحیت در دیوان نیز ، دلیلی برای قائل شدن چنین فرقی وجود ندارد . همانطور که دیوانعالی ایالات متحده متذکر می گردد :

در حقیقت شرکت مادر و شرکت تا بعه تحت مالکیت کامل شرکت مادر همیشه دارای " وحدت هدف یا منظور مشترکی " هستند . صرف نظر از اینکه شرکت مادر تمام امور شرکت تا بعه را کاملاً در دست داشته باشد یا نه ، آنها در هدف مشترکی سهیم هستند ، هر آن که شرکت تا بعه نتواند در جهت تا مین حدا کثر منافع شرکت مادر عمل کند ، شرکت مادر می تواند کنترل کامل بروی اعمال نماید .

52 U.S.L.W., supra at 4826.

هر شخصیت حقوقی در گروه شرکتهای وابسته بهم که به موجب سهام یا مالکیتش در یک شخص حقوقی بر یک شرکت تا بعه غیر آمریکائی کنترل داشته باشد ، طبق بیانیه حل و فصل دعوی باید بتواند ادعای آن شرکت تا بعه را به عنوان ادعای غیر مستقیم نزد دیوان مطرح سازد .

بیانیه حل و فصل دعوی در واقع مقرر ساخته که فقط در صورتیکه صاحب مستقیم ادعا خود نتواند نزد دیوان اقامه دعوی نماید ، صاحب غیر مستقیم ادعا می تواند ، آن ادعا را مطرح سازد . صاحب مستقیم ادعای یک شخصیت حقوقی غیر آمریکائی است . بیانیه حل و فصل دعوی ، بین " اشخاص حقوقی " که در آن خواهان دارای علائق مالکانه است " و شرکت یا " شخصیت حقوقی دیگر " که صاحب مستقیم ادعا و تحت کنترل است ، ولیکن بدلیل اینکه یک واحد غیر آمریکائی است ، قادر نیست نزد دیوان اقامه دعوی کند ، فرق قایل شده است . استعمال واژه های گوناگون حاکی از آنست که " اشخاص حقوقی " که سهام بنام آنها نگهداری می شود نباید الزاماً " شرکت یا شخص دیگری " که تحت کنترل است و خود قادر به اقامه دعوی نیست ، باشند . بدینسان ، مادام که شرکت آمریکائی بتواند " از طریق مالکیت

سهام سرمایه‌ای یا سایر علائق مالکان در اشخاص حقوقی، شخصیت غیر آمریکائی را کنترل کند، حتی اگر این کنترل از طریق شرکت‌های تابعه دیگری صورت گیرد، شرکت آمریکائی می‌تواند ادعا را نزد دیوان اقامه کند. آر. جی. رینولدز توبا کوکا مپنی از طریق "مالکیت سهام سرمایه‌ای در یک شخصیت" حقوقی" یعنی دیسک، آر. جی. رینولدز توبا کوکا اینترنشنال اکسپورت اینکورپوریتد، یعنی یک شرکت سوئیسی را که "خود حق اقامه دعوی" نزد دیوان را نداشت، کنترل می‌کرد. بنابراین، آر. جی. رینولدز توبا کوکا مپنی صاحب غیر مستقیم ادعا بود و آن ادعا نیز، ادعای یک تبعه ایالات متحده است که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.

اظهار خواندگان مبنی بر اینکه فقط سهامدار واقعی آمریکائی یک شرکت غیر آمریکائی می‌تواند ادعای غیر مستقیم آن شرکت غیر آمریکائی را اقامه کند، بی معنی است. چنین تفسیری مفید هیچ گونه فایده‌ای نبوده و قالب را بر محتوی چیره می‌کند. اینکه بیش از یک شخص حقوقی در گروه شرکت‌های وابسته بهم قادر به اقامه ادعا باشد به معنی امکان پذیر بودن طرح مضاعف ادعاها و یا جبران مضاعف خسارت نیست. این مطلب که بیانیه حل و فصل دعوی مقرر نموده که می‌توان ادعای مستقیم یا غیر مستقیم را مطرح ساخت بدین معنی است که طرفین بیانیه تصدیق کرده اند که ممکن است یک ادعا متعلق به بیش از یک شخص باشد، ولیکن فقط یکی از آن اشخاص می‌تواند در این دیوان ادعا را مطرح سازد.

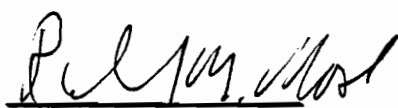
از اینرو، من بر این عقیده‌ام که خواهان نه فقط به موجب دلیلی که دیوان ذکر نموده، بلکه به استناد استنباط من از بیانیه حل و فصل دعوی نیز، طرف واقعی دعوی است. دیوان، صریحاً "به این مسأله تفسیر فیصله نداده است."

گرچه من با این نتیجه‌گیری دیوان موافقم که دیوان نسبت به ادعاهای متقابل گوناگون صلاحیت نداشته، با اینحال بر عقیده خود را سخم که اگر ادعائی بر قرارداد استوار باشد، دیوان برای رسیدگی به ادعای متقابلی که از آن قرارداد ناشی نمی‌شود صلاحیت ندارد، و لوائیکه ادعای متقابل از معامله‌ای

ناشی شود که قرارداد بخشی از آنرا تشکیل دهد. آمریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین ، حکم شماره آی تی ال ۳ - ۴۸ - ۴۱ (نظر موافق و مخالف ریچارد ام. ماسک) (۱۱ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۲۱ خرداد ماه ۱۳۶۳) . دا ورمخالف ، در مطالب خود بر ارتباط و مناسبت این واقعیت ایراد می گیرد که نه واقعیتها و نه ادله و مدارک مربوط به ادعا تکلیف هیچ یک از موضوعات مرتبط با قرارداد پروانه را که موضوع ادعاهای متقابلی است که دیوان نسبت به آن اعلام عدم صلاحیت کرده ، روشن نمی سازد . دیوان ، به این واقعیت ، به عنوان یکی از عوامل متعدد موید این نتیجه گیری اش اشاره می کند که ادعاهای متقابل ، ناشی از همان معامله ای که موضوع ادعاست نمی باشند .

نتیجه

اینجانب با حکم جزیی دیوان در پرونده حاضر موافقم .



ریچارد ام. ماسک

ششم اوت ۱۹۸۴ برابر با ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۳